راجع به امام حسن قطان مروزی

قزوینی، میرزا محمد خان

اقبال، عباس

ترجمهء حال حسن قطان در بغیة الوعاة سیوطی ص 224 نقلا از یاقوت‏ مسطور است ولی این فقره در مجلدات مفقودهء معجم الادباء چنانکه سرکار خیال فرموده‏اید نبوده است زیرا که حسن قطان نام و نسبش حسن بن‏ علی بن محمد است.و در جلد سوم معجم الادباء جمیع کسانی که نامشان حسن‏ بن علی است مسطور است و سپس در همان کتاب و همان جلد بترتیب حروف‏ معجم(در اسماء آباء)کسانیکه نامشان حسن بن محمد است و سپس کسانیکه‏ نامشان حسن بن المظفر است پس نمیتوانید در جلد بعد از این جلد مجددا نام کسی‏ مسطور باشد که نام او حسن بن علی باشد چه موضع ذکر حسن بن علی قبل از حسن بن‏ محمد است کما هو واضح

خواهید فرمود که پس از سیوطی از کدام مجلد معجم الادباء ترجمهء حال حسن‏ ؟؟؟؟؟ذکر کرده است؟در جواب عرض میکنم که ترجمهء حال حسن بن قطان در همین جلد سوم معجم الادباء که چاپ شده مسطور بوده است و هنوز نیز قسمت دوم این ترجمه حال در همان مجلد سوم مذکور است بتفصیل ذیل:

چنانکه از مطالعهء اجمالی این جلد سوم شاید استنباط کرده باشید این‏ جلد سقطها و بیاضهای بسیار دارد یعنی در اصل نسخه منقول عنها بسیار سقطها و بیاضها بوده است که در بعضی مواضع جای سقط معلوم بوده است ولی‏ در بعضی مواضع جای سقط اصلا و ابدا معلوم نبوده و کلام لاحقی را بکلام سابقی‏ ناسخ چسبانیده بوده است که ابدا ربطی مابین آنها موجود نبوده است‏ و شاید مبلغ عظیمی مابین عبارتین افتاده بوده است.از قبیل این قسم‏ اخیر است ترجمهء حال الحسن بن علی الاسکافی که ترجمهء حال او را ج 3 معجم الادباء از ص 164 الی ص 179 ممتد است و حال آنکه از ص 169

(از سطر 12 از عبارتی که ابتدائش اینست و کنت عند کونی بمرو عرض‏ علی شیخنا...السمعانی جزعا یشتمل علی رسائل للحسن القطان الی الرشید الوطواط الخ)الی آخر ص 179 جمیعا راجع بترجمهء حال حسن قطان‏ است و ابدا و اصلا و بوجه من الوجوه ربط بترجمهء حال حسن بن علی‏ اسکافی صاحب عنوان ندارد،و از اندک تعمقی معلوم میشود که قبل از عبارت مذکور در ص 169 یعنی قبل«و کنت عند کونی بمرو الخ» مبلغ عظیمی از آخر ترجمهء اسکافی و اوایل ترجمهء حال حسن قطان‏ سقط شده است و آن قسمتی را که سیوطی در بغیة الوعاة از یاقوت نقل‏ کرده است قطعا و بالبداهه از همین قسمت ساقطهء ترجمهء حسن قطان‏ است،و قسمت اخیر آن ترجمهء حال که باقی مانده است چنانکه ملاحظه‏ خواهید فرمود فقط عبارت است از نقل چند مکتوبی که مابین حسن‏ قطان و رشید و طواط مبادله شده بوده است که مکتوب اول از آنها در جلد دوم جهانگشا نیز بطبع رسیده است و همهء آن مکاتیب در مجموعهء معروف رسائل رشید و طواط در مصر نیز چنانکه میدانید چاپ شده‏ است،و در همین ص 169 در سطر 3 باخر مانده باز چیزی از عبارت‏ سقط شده است که بنده بحدس و تخمین بجای آن در هامش نسخهء خودم این عبارت آتی را نوشته‏ام و گمان میکنم که عین این عبارت‏ یا شبیه بدان سقط شده است،و اصل عبارت حتما اینطور بوده است: «نطق الزمان من تحمیلها و کتبها(فلما خرجت من خراسان منهزما امام التتر ترکت هذا الجزء فیها ترکته بخراسان)و قلت الخ»طابع‏ کتاب یعنی مرگلیوث در ص 164 بعد از عنوان«الحسن بن علی... الاسکافی»در حاشیه نوشته است که«یظهر مما یجی انه المعروف‏ بالحسن القطان»یعنی بعبارة اخری خیال کرده است که تمام این‏ ترجمهء حال حسن اسکافی در حقیقت ترجمهء حال حسن قطان است، و این سهو واضح است از طابع چنانکه از نسب و نسبت و تاریخ وفات اسکافی معلوم میشود،بلکه چنانکه عرض کردم از ص 164- 169 سطر 12 راجع بترجمهء حال اسکافی است و از آنجا ببعد الی‏ اخر ترجمه(یعنی ص 169-179)راجع بترجمهء حال حسن قطان‏ است و باز از آخر ترجمه حسان قطان بتصریح طابع در حاشیهء ص‏ 179 قسمتی افتاده بوده است،بعبارة واضح‏تر از ترجمهء حال حسن‏ قطان در معجم الادبا فقط قسمت وسط آن باقی مانده است(ج‏ 3 ص 169-179)و از طرف اول و آخر هر دو ناقص است‏ و خدا میداند که از هر طرفی چه مقدار ناقص بوده است.رجوع کنید بدیباچهء انگلیسی طابع کتاب که معلوم میشود بدبختانه قسمت مهم‏ سقطها و افتاده‏های این جلد مخصوصا در همین فصل راجع بترجمهء حسن قطان و رسائل رشید و طواط و پیش‏وپس بوده است.-

اکتشاف بسیاربسیار مهمی فرموده‏اید که در تتمهء صوان الحکمه‏ یافته‏اید که مؤلف کیهان‏شناخت امام حسن قطان بوده است،چندی‏ قبل آقای آقا ضیاء الدین نوری از بنده درخصوص مؤلف کتاب‏ مزبور استفساری فرموده بودند و من با فحص بلیغ در جمیع فهارس‏ جمیع مکاتب اروپا که بدانها دسترس داشتم ذکری و نامی و نشانی‏ نه از کیهان‏شناخت و نه از مؤلف آن نتوانستم بدست آوردم و حالا پس از قرائت مرقومهء عالی و رجوع به تتمه صوان الحکمه نسخه برلین‏ ورق 889 دیدم بله واضحا صریحا تالیف کتاب مزبور را بامام حسن‏ قطان نسبت میدهد منتهی باسم کیهان سیاحت(کذا!)که مسبب از سهو نساخ است بدون هیچ شکی،فوق العاده از این اکتشاف سرکار بنده هم خوشحال شدم و فورا در تحت نام سرکار این فقره را در حاشیهء حاجی خلیفه و در ورقه علیحده یادداشت کردم که یادم نرود فشکر اللّه و ادام اللّه توفیقکم